

درباره ی وحدت جبهه ی پرولتری

۱- جنبش بین المللی در حال حاضر از یک دوره ی انتقالی می گذرد. این دوره ی انتقالی مسائل تاکتیکی مهم و جدیدی در برابر انترناسیونال کمونیست و بخش های آن قرار می دهد.

این دوره اساساً با خصوصیات زیر مشخص می شود:

بحران اقتصاد جهانی وخیم تر می شود. بیکاری افزایش می یابد، و تقریباً در تمام کشورها، سرمایه ی بین المللی حمله ی شیوه داری علیه طبقه ی کارگر به راه انداخته، که هدف آن، همان طور که خودشان اقرار دارند، قبل از هر چیز کاهش دستمزدها و تقلیل شرایط زندگی کارگران است. ورشکسته کی معاهده ی صلح ورسای روز به روز بر توده ی زحمت کش عیان تر می شود. واضح است که اگر پرولتاریای بین المللی نتواند رژیم بورژوایی را منهدم کند، دیری نخواهد گذشت که یک یا حتی چند جنگ امپریالیستی به وقوع پیوندد، این چیزی است کنفرانس واشنگتن با فصاحت اثبات کرد.

۲- توهامات رفرمیستی که به خاطر شرایط مختلف از حمایت دوباره ی توده ی وسیع کارگران برخوردار شده بودند، در برابر حقایق تلخ حالا عواطف کاملاً متفاوتی را بر می انگیزند. توهامات دموکراتیک و رفرمیست که بعد از جنگ امپریالیستی دوباره در قشری از کارگران ممتاز و هم چنین در بین عقب مانده ترین کارگران از نقطه نظر سیاسی راه پیدا کرده بودند، حتی قبل از این که به توانند شکوفان شوند، از بین می روند. نتایج کارهای کنفرانس واشنگتن به این توهامات خاتمه خواهند داد. اگر شش ماه پیش، می توانستیم

با یک بحث ظاهراً منطقی صحبت از نوعی تکامل توده های کارگر اروپا و آمریکا به جناح راست به کنیم، امروز دیگر نمی توانیم آغاز جهت گیری جدید به چپ را انکار کنیم.

۳- از طرف دیگر، تهاجم سرمایه داری، یک گرایش خود به خودی به طرف اتحاد را در توده های کارگر برانگیخته است که هیچ چیزی نمی تواند سد راه آن شود و این گرایش هم راه است با افزایش اعتمادی که کمونیست ها نزد پرولتاریا از آن برخوردارند.

فقط امروزه است که محافل کارگری هر چه مهم تر، شروع به درک دلاوری پیشگام کمونیست کرده اند که مبارزه برای دفاع از منافع پرولتاریا را در زمانی آغاز کرد که هنوز توده های وسیعی در بی تفاوتی و حتی انزجار از کمونیزم به سر می برند. کارگران هر چه بیشتر متوجه این امر می شوند که کمونیست ها غالباً به قیمت از جان گذشته گی خیلی زیاد و در دشوارترین شرایط حقیقتاً از منافع اقتصادی و سیاسی کارگران دفاع کرده اند. و دوباره احترام و اعتماد نسبت به پیشگام سازش ناپذیر، که کمونیست ها باشند، جلب می شود. عقب مانده ترین کارگران بالاخره یا درک بیهودگی امیدهای رفرمیستی، متقاعد می شوند که رهانی از غارت گری سرمایه داری تنها از طریق مبارزه امکان پذیر است.

۴- احزاب کمونیست می توانند و می باید امروزه ثمره ی مبارزاتی را که آن ها چندی پیش در نامساعدترین شرایط، در میان بی تفاوتی توده ها، زنده نگه داشتند، جمع آوری کنند. اما کارگران به خاطر افزایش اعتمادشان و جهت گیری به طرف سرسخت ترین عناصر، سلحشورترین از طبقه ی آن ها یعنی به طرف کمونیست ها- بیش از همیشه گواهی بر خواست

مقاومت ناپذیر اتحاد، می دهند. کم تجربه ترین قشرهای طبقه ی کارگر که از اکنون چشم هایشان به زندگی فعال تری باز شده، ادغام تمام احزاب کارگری، یا در غیر این صورت تمام سازمان های پرولتری را در عالم رویا می بینند. آن ها امیدوارند که از این طریق ظرفیت مقاومتشان را در برابر فشار سرمایه داری افزایش دهند. کارگرانی که تا امروز نسبت به مبارزات سیاسی تقریباً بی علاقه بودند، می خواهند از این پس ارزش برنامه ی سیاسی رفرمیزم را با تجربه ی شخصی امتحان کنند. کارگرانی که متعلق به احزاب سوسیال-دموکرات قدیمی هستند، و این ها بخش مهمی از پرولتاریا را تشکیل می دهند، دیگر حمله ی افترا آمیز سوسیال-دموکرات ها و سانتریست ها را علیه کمونیست پیشگام تحمل نکرده، به علاوه درخواست وحدت با این پیشگام را آغاز می کنند. معذالک این کارگران هنوز از اعتقادات رفرمیستی کاملاً نبریده اند، و بسیاری آن هائی که از انترناسیونال سوسیالیست و [انترناسیونالیست سوسیالیست] آمستردام پشتیبانی می کنند. بی شک درخواست هایشان هنوز به طور روشنی فرموله نشده، ولی مسلم است که آن ها قاطعانه در جهت ایجاد جبهه ی واحد پرولتری یعنی تشکیل بلوک مقتدر از احزاب انترناسیونال دوم و سندیکاهای آمستردام متحد با کمونیست ها حرکت می کنند. بلوک مقتدری که حمله ی اربابان در مقابل آن خرد خواهد شد. از این لحاظ این آرزوها نشان دهنده ی خود پیش رفت است، اعتقاد به رفرمیزم تقریباً از بین رفته است. در شرایط فعلی جنبش کارگری، هر کُنش جدی، حتی اگر نقطه ی حرکتش مطالبات جزئی باشد، الزاماً توده ها را به طرح مسائل اساسی انقلاب سوق می دهد. پیشگام کمونیست فقط می تواند از تجربه ی افسار جدید کارگران، که اینان توسط خودشان متقاعد به بیهودگی

توهمات رفرمیستی و نتایج اسف انگیز سیاست سازش خواهند شد، سود به برد.

۵- هنگامی که اعتراض سازمان یافته و آگاه کارگران علیه خیانت رهبری های انترناسیونال دوم آغاز شد، این رهبران مکانیزم سازمان های کارگری را در بست در اختیار داشتند. آن ها برای ساکت کردن بی رحمانه ی انقلابیون معترض و خرد کردن همه ی مقاومت هائی که مانع از قرار دادن تمام نیروهای پرولتری در اختیار امپریالیست های ملی می شد، به مطرح کردن اتحاد و نظم کارگری توسل جستند. بدین ترتیب جناح چپ انقلابی مجبور شد به هر قیمتی که شده آزادی تبلیغات اش را به دست آورد، تا خیانت ننگینی را که احزاب و سندیکاهائی که خود کارگران به وجود آورده بودند، مرتکب شده بودند - و هنوز هم می شدند- به توده های کارگر نشان دهد.

۶- امروزه احزاب کمونیست، بعد از این که مطمئن شده اند که از آزادی کامل تبلیغ برخوردارند، می کوشند تا در تمام کشورها اتحاد هر چه کامل تر توده های کارگری را در فعالیت عملی به تحقق رسانند. افراد [انترناسیونال سوسیالیست] آمستردام و انترناسیونال دوم هم درباره ی اتحاد موعظه می کنند، اما تمام اعمال شان نفی صحبت هایشان است. چون رفرمیست ها موفق نشدند اعتراضات، انتقادات و خواست های عمیق انقلابی را در سازمان ها خفه کنند، و به خاطر عطششان برای مصالحه، امروزه سعی دارند با پراکندن بذر آشفته گی و تفرقه بین کارگران و خراب کاری در مبارزات آن ها از محصه ای که وارد آن شده اند، بیرون بیایند. یکی از مهم ترین وظایف احزاب کمونیست این است که در این موقعیت پرده از تکرار خیانت رفرمیست ها بردارند.

۷- تحول داخلی عمیقی که در طبقه ی کارگر اروپا و آمریکا در نتیجه ی شرایط اقتصادی جدید پرولتاریا به وجود آمد، حتی رهبران و دیپلمات های انترناسیونال سوسیالیست و انترناسیونال آمستردام را مجبور کرد که مسأله ی اتحاد کارگری را در رأس برنامه قرار دهند. هر چند برای کارگرانی که اخیراً به زندگی آگاه سیاسی قدم گذاشته اند و هنوز بی تجربه هستند، شعار جبهه ی واحد بیان صادقانه ی خواست قرار دادن تمام نیروهای طبقه ی کارگر در مقابل حمله ی اربابان است، این شعار از جانب رهبران رفرمیست، چیزی جز انگیزه ی جدیدی برای اغفال کارگران و کشاندن آن ها به راه های قدیمی سازش طبقاتی نیست. قریب الوقوع بودن جنگ جدید امپریالیستی، مسابقه ی تسلیحاتی، معاهده های محرمانه ی جدید قدرت های امپریالیستی نه تنها رهبران انترناسیونال دوم، انترناسیونال دو و نیم و انترناسیونال آمستردام را بر آن نمی دارند که زنگ خطر را به صدا در آورند و به اتحادیه ی بین المللی طبقه ی کارگر حقیقتاً کمک کنند، بلکه [این عوامل] مطمئناً در بین رهبران انترناسیونال همان اختلافات شدیدی را ایجاد خواهند کرد که در بین بورژوازی بین المللی برانگیخته اند. این حقیقتی است هر چه بیشتر غیرقابل اجتناب، وقتی که وابسته گی "سوسیالیست" های رفرمیست به بورژوازی ملی "خودشان" پایه ی رفرمیسم را تشکیل می دهد.

این ها اوضاع عمومی ای هستند که در آن انترناسیونال کمونیست و بخش های آن باید نظرشان را نسبت به شعار وحدت جبهه ی کارگری مشخص سازند.

۸- با در نظر گرفتن همه ی جوانب، کمیته ی اجرائی انترناسیونال کمونیست معتقد است که شعار سومین کنگره ی انترناسیونال کمونیست:

به طرف توده ها! و هم چنین منافع عمومی جنبش کمونیستی، ایجاب می کنند که انترناسیونال کمونیست و بخش های آن از شعار جبهه ی واحد پرولتری پشتیبانی کرده و ابتکار تحقق دادن به آن را درست به گیرند. تاکتیک احزاب کمونیست در هر کشور با در نظر گرفتن شرایط مخصوص آن کشور تعیین می شود.

۹- در آلمان، حزب کمونیست در آخرین اجلاسیه ی کمیته ی ملی خود، خود را موافق با جبهه ی واحد پرولتری اعلام کرد و حمایت از یک "حکومت واحد کارگری" را که آماده ی پیکار جدی با قدرت کاپیتالیستی باشد ممکن دانست. [کمیته] ی اجرائی انترناسیونال کمونیست این تصمیم را کاملاً تأیید می کند. زیرا که متقاعد شده که حزب کمونیست آلمان هم راه یا حفظ استقلال سیاسی خود می تواند بدین ترتیب در اقشار وسیع تری از پرولتاریا نفوذ کرده و نفوذ کمونیستی را در آن ها تقویت کند. در آلمان، بیشتر از هر کجای دیگر توده های زیادی هر چه بهتر می فهمند که پیشگام کمونیست آن ها به حق از زمین گذاشتن اسلحه در سخت ترین لحظات اجتناب کرده و به درستی بیهودگی مطلق علاج های رفرمیستی را در شرایطی که فقط انقلاب پرولتری قادر به گره گشائی آن است، افشا کرده است. با ادامه ی این راه دیری نخواهد گذشت که حزب [کمونیست] آلمان کلیه ی عناصر آنارشیست و سندیکالیست را که تا امروز خارج از مبارزه ی توده ها باقی مانده اند به خود جلب خواهد کرد.

۱۰- در فرانسه، حزب کمونیست در برگیرنده ی اکثریت کارگرانی است که از لحاظ سیاسی سازمان یافته اند. در نتیجه، مسأله ی جبهه ی واحد در این کشور صورت کمابیش متفاوتی با کشورهای دیگر به خود می گیرد. ولی در

فرانسه هم، تمام مسئولیت گسیخته گی جبهه ی کارگران باید بر گردن رقبای ما بیفتد. جناح انقلابی سندیکالیزم فرانسه به درستی با انشعاب گری در سندیکاها می جنگد، و از اتحاد طبقه ی کارگر در مبارزه ی اقتصادی دفاع می کند. ولی این مبارزه در دروازه کارخانه خاتمه نمی یابد. و اتحاد علیه موج ارتجاع، علیه سیاست امپریالیستی و غیره از لزوم کمتری برخوردار نیست. سیاست رفرمیست ها و سانتریست ها، بعد از ایجاد انشعاب در حزب اکنون اتحاد جنبش سندیکائی را تهدید می کند. این نشان دهنده ی این است که Jouhaux هم مانند Jean Longuet در حقیقت خادم منافع بورژوازی است. شعار اتحاد سیاسی و اقتصادی جبهه ی پرولتری علیه بورژوازی بهترین وسیله برای عقیم کردن مانورهای انشعاب گرانه است.

خیانت های C.G.T [کنگره ی عمومی کارگران] رفرمیست که توسط Jouhaux و Merrheim هم دستان رهبری می شود، هر چه که باشند، کمونیست ها و به اتفاق آن ها تمام عناصر انقلابی طبقه ی کارگر فرانسه خود را مجبور خواهند دید که قبل از هر اعتصاب عمومی، قبل از هر تظاهر انقلابی، و قبل از هر عمل توده ای، به رفرمیست ها پیشنهاد کنند که در این عمل شرکت کنند، و به محض این که رفرمیست ها آن را رد کردند در مقابل طبقه ی کارگر نقاب از چهره ی آن ها بردارند. بدین ترتیب جلب توده های کارگر غیرسیاسی برای ما آسان خواهد شد. لازم به توضیح نیست که این متد به هیچ وجه محدودیتی برای استقلال حزب کمونیست فرانسه ایجاد نمی کند. و مثلاً نباید در دوره ی انتخابات، حزب را درگیر پشتیبانی از "بلوک چپی" ها کند و یا حزب را وادار کند نسبت به "کمونیست های" مردد که هنوز برای

انشعاب از سوسیال- پاتریت ها ابراز تأسف می کنند، نرمش زیاده از حدی از خود نشان دهد.

۱۱- در انگلستان، حزب رفرمیست کارگر، از قبول حزب کمونیست و هم چنین سایر سازمان های کارگری، درون خود امتناع کرده بود. ولی زیر فشار توده های کارگر که خواست های عمیقشان را [در بالا] نشان دادیم، سازمان های کارگری لندن رأی به پذیرش حزب کمونیست در حزب کارگر دادند.

از این لحاظ انگلستان واضحاً یک استثناء است. زیرا به خاطر شرایط مخصوص حزب کارگر در انگلستان شکل یک نوع ائتلافی را به خود گرفته که تمام سازمان های کارگری کشور را دربر می گیرد. حال وظیفه ی کمونیست هاست که از طریق یک کمپین مانند خواهان پذیرش خود درون حزب کارگر شوند. خیانت اخیر رهبری اتحادیه ها در اعتصاب معدن چیان، حمله ی کاپیتالیستی علیه دستمزدها و غیره، جوش و خروش قابل ملاحظه ای در پرولتاریای انگلیس برانگیخته است. کمونیست ها به هر قیمتی شده باید سعی کنند تا تحت شعار جبهه ی واحد پرولتری علیه بورژوازی درون توده های زحمت کش به عمیق ترین وجه ممکن نفوذ کنند.

۱۲- در ایتالیا، حزب جوان کمونیست که تا به حال روشی آشتی ناپذیر نسبت به حزب رفرمیستی سوسیالیست و رهبران سوسیال- خانن کنفدراسیون عمومی کار اتخاذ کرده بود - قطعاً خیانت این رهبران نسبت به انقلاب پرولتری امروزه تکمیل شده- معذک حزب کمونیست در برابر حمله ی اربابان، آغالش گری نیرومندی برای جبهه ی واحد پرولتری به راه انداخته. [کمیتة ی] اجرانی [بین الملل کمونیست] این تاکتیک کمونیست های ایتالیا را

کاملاً تأیید می‌کند و بر لزوم توسعه‌ی باز هم بیشتر این تاکتیک تأکید می‌گذارد. [کمیته‌ی] اجرائی معتقد است که اگر حزب کمونیست ایتالیا از خود بصیرت کافی نشان دهد، مظهر پیکار مارکسیستی برای انترناسیونال کمونیست خواهد شد. و هم راه با تقبیح بی‌رحمانه‌ی تردیدها و خیانت‌های رفرمیست‌ها و سانتریست‌ها، خواهد توانست مبارزه هر چه نیرومندتری را در میان توده‌های کارگر برای جبهه‌ی واحد پرولتری علیه بورژوازی ادامه دهد.

واضح است که حزب [کمونیست] ایتالیا نباید از بذل هیچ کوششی در راه جلب عناصر انقلابی آنارشیزم و سندیکالیزم در عمل مشترک، کوتاهی کند.

۱۳- در چکسلواکی، جایی که حزب اکثریت کارگرانی را که از نظر سیاسی، سازمان یافته‌اند به دور خود جمع کرد، وظایف کمونیست‌ها، از بعضی لحاظ شبیه به وظایف کمونیست‌های فرانسه است. حزب [کمونیست] چکسلواکی ضمن مستحکم کردن استقلال خود و گسستن آخرین رشته‌هایی که آن را به سانتریست‌ها وصل می‌کند، باید به داند چگونه شعار جبهه‌ی واحد پرولتری علیه بورژوازی را تعمیم داده و نقش حقیقی سوسیال-دمکرات‌ها و سانتریست‌ها یعنی عمال سرمایه‌داری را روشن سازد. کمونیست‌های چکسلواکی باید هم چنین دخالتشان را در سندیکاها، که قدرت به مقیاس وسیعی در دست رهبران زرد [ارتجاعی سندیکائی] قرار دارد، تشدید کنند.

۱۴- در سوئد، نتایج آخرین انتخابات پارلمانی به یک حزب کمونیست اجازه می‌دهد که با تعداد کم اعضایش نقش مهمی باز کند. M.Branting رهبر عالی‌قدران انترناسیونال دوم، و در ضمن رئیس هیأت وزرای

بورژوازی سوند، در موقعیتی قرار گرفته که برای تشکیل اکثریت پارلمانی نظر فراکسیون پارلمانی کمونیست نمی تواند برایش بی تفاوت باشد. [کمیته ی] اجرائی [بین الملل کمونیست] معتقد است که در بعضی شرایط فراکسیون کمونیست نمی تواند از دادن پشتیبانی خود به حکومت منشویکی M.Branting امتناع ورزد، همان طوری که کمونیست های آلمان به درستی این کار را در مورد بعضی حکومت های محلی Thuringe کردند. ولی از این، به هیچ وجه نتیجه نمی شود که کمونیست های سوند باید سرسوزنی از استقلالشان را رها کرده و یا از افشای ماهیت حقیقی حکومت منشویکی دست بردارند. بالعکس هر چه منشویک ها بیشتر قدرت داشته باشند، بیشتر به طبقه ی کارگر خیانت خواهند کرد. و کمونیست ها هم باید در افشای آن ها در مقابل توده های کارگر بیشتر به کوشند.

۱۵- در ایالات متحده آمریکا، وحدت تمام عناصر چپ جنبش سندیکائی و سیاسی کارگر شروع به تحقق یافتن می کند. بدین ترتیب کمونیست های آمریکا موقعیت آن را دارند که در توده های وسیع زحمت کش نفوذ کرده و مرکز تبلور این اتحاد چپ به شوند. با ساختن گروه هائی در هر کجا که یک عده کمونیست وجود دارند؛ کمونیست ها باید به توانند رهبری جنبش اتحاد عناصر انقلابی را به دست به گیرند و ایده ی جبهه ی واحد را قویاً رواج دهند؛ (به طور مثال، در دفاع از منافع بیکاران). اتهام اصلی ای که کمونیست ها باید به سازمان های M.Gonpers به زنند این است که این ها از تشکیل جبهه ی واحد پرونتری برای دفاع از بیکاران لجوجانه امتناع می ورزند. معهداً وظیفه ی اساسی حزب [کمونیست] این خواهد بود که بهترین عناصر I.W.W. را به خود جلب کند.

۱۶- در سوئیس، حزب ما تا کنون موفقیت های چندی در راهی که ما نشان داده بودیم، کسب کرده است. تبلیغ کمونیستی برای جبهه ی واحد بوروکراسی سندیکائی را مجبور کرده تا یک کنگره ی فوق العاده فرا به خواند. در این کنگره که در آینده ی نزدیکی باید تشکیل شود رفقای ما می توانند دروغ های رفرمیستی برملا ساخته و برای اتحاد انقلابی پرولتاریا، بیشترین فعالیت ممکن را سازمان دهند.

۱۷- در یک سلسله کشورهای دیگر، بنابر موقعیت های محلی مسأله به صورت کم و بیش متفاوتی مطرح می شود، ولی [کمیتة ی] اجرائی [بین الملل کمونیست] معتقد است که بخش ها می توانند برحسب موقعیت های ویژه ی هر کشور، خط مشی عمومی ای را که در بالا ترسیم شد، به کار برند.

۱۸- کمیتة ی اجرائی برای تمام بخش هائی که با احزاب انترناسیونال دوم و انترناسیونال دو ونیم قراردادی دارند، آزادی ادامه تبلیغات عقایدمان و انتقاد از مخالفان کمونیسم را به مثابه شرط مطلقاً اجباری لازم می شناسد. کمونیست ها در عین حال که انضباط تشکیلاتی آکسیون ها را قبول می کنند، می باید نه تنها قبل و بعد از آکسیون بلکه هم چنین در حین آن، حق و امکان ابراز نظریاتشان را درباره ی سیاست تمام تشکلات کارگری، بدون استثناء، مطلقاً محفوظ به دارند. در هیچ موقعیتی و تحت هیچ بهانه ای این شرط نمی تواند نقض گردد. کمونیست ها در عین حال که در هر فعالیت عملی از اتحاد تمام سازمان های کارگری علیه جبهه ی سرمایه داری دفاع می کنند، از تبلیغ نظریاتشان، که تنها بیان منطقی منافع کل طبقه ی کارگر را تشکیل می دهد، نمی توانند صرف نظر کنند.

۱۹- کمیته ی اجرایی انترناسیونال کمونیست معتقد است که یادآوری تجارب بلشویک های روسیه که حزبشان تنها حزبی است که تا به امروز موفق به غلبه بر بورژوازی و تصاحب قدرت شده، به تمام احزاب برادر مفید می باشد. در پانزده سالی که از تولد بلشویزم تا پیروزی آن (۱۹۱۷-۱۹۰۳) طول کشید، بلشویک ها هرگز از جدال با رفرمیزم که همان منشویزم باشد، دست برنداشتند. ولی در همین مدت بلشویک ها چندین دفعه با منشویک ها موافقت نامه هائی بستند. اولین انشعاب رسمی در بهار ۱۹۰۵ اتفاق افتاد. ولی زیر فشار مقاومت ناپذیر جنبش پرتوان و وسیع کارگری بلشویک ها در همان سال با منشویک ها جناح مشترکی تشکیل دادند. دومین انشعاب رسمی در ژانویه ۱۹۱۲ اتفاق افتاد. ولی از ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۲، جدائی و اتحادها و موافقت های موقتی به طور متناوب صورت گرفت (در ۱۹۰۶، ۱۹۰۷، و ۱۹۱۰). اتحادها و موافقت ها صرفاً در نتیجه ی تغییر و تحولات در مبارزه بین جناح ها به وجود نیامده، بلکه خصوصاً تحت فشار توده های وسیع کارگر که به زندگی سیاسی چشم گشوده بودند و می خواستند برای خودشان ببینند که آیا حقیقتاً راه منشویزم از انقلاب دور می شود، صورت گرفت. کمی قبل از جنگ امپریالیستی، جنبش جدید انقلابی که دنباله ی اعتصاب لنا Lena بود، تمایل شدیدی برای اتحاد در توده های پرولتاریا به وجود آورد که رهبران منشویزم سعی کردند از آن به نفع خودشان بهره برداری کنند، همان کاری که امروز رهبران انترناسیونال "سوسیالیست" و رهبران انترناسیونال آمستردام می کنند. در این دوره، بلشویک ها از شرکت در جبهه ی واحد خودداری نکردند. کاملاً برعکس، برای خنثی کردن سیاست رهبران منشویک ها، بلشویک ها شعار "اتحاد از پایه" یعنی اتحاد توده های کارگر در فعالیت

عملی انقلابی علیه بورژوازی را اتخاذ کردند. تجربه نشان داد که در آن جا این تنها تاکتیک صحیح بود. این تاکتیک که برحسب زمان و مکان تعدیل می شد موفق به جلب اکثریت بسیار بزرگی از بهترین عناصر پرولتر منشیویکی به کمونیزم شد.

۲۰- روشن است که انترناسیونال کمونیست با اتخاذ شعار جبهه ی واحد پرولتری و با مجاز شناختن قراردادهای بین بخش های مختلف خود و احزاب و سندیکاها ی انترناسیونال دوم و انترناسیونال دو و نیم، خود نمی تواند از بستن قراردادهای مشابهی در سطح بین المللی خودداری کند. سر مسأله ی کمک به گرسنه گان روسیه، [کمیته ی] اجرائی به انترناسیونال سندیکائی آمستردام پیشنهاد اتحاد کرده است. و در رابطه با عمل مشترک علیه ترور سفید در اسپانیا و یوگسلاوی پیشنهادش را تجدید کرد. در حال حاضر، در مورد کارهای کنفرانس واشنگتن که صرفاً می تواند انفجار جنگ جدید امپریالیستی را تسریع کند، کمیته ی اجرائی به انترناسیونال سوسیالیست و انترناسیونال آمستردام پیشنهاد جدیدی عرضه می کند. اما رهبران این سه سازمان بین المللی نشان دادند که به محض این که پای عمل پیش می آید، آن ها شعار و وحدت کارگری را که خود داده بودند، کاملاً نفی می کنند. در نتیجه، وظیفه ی مشخص انترناسیونال کمونیست و بخش هایش آن خواهد بود که دورونی رهبران کارگری را که اتحاد با بورژوازی را به وحدت کارگران انقلابی ترجیح می دهند، و به جای این که علیه کنفرانس امپریالیستی واشگتن به پیکار به پردازند، از طریق باقی ماندن در دفاتر انترناسیونال کار شانه به شانه ی جامعه ی ملل حتی در کنفرانس امپریالیستی واشنگتن شرکت می کنند، نزد توده ها افشا کنند. اما رد شدن پیشنهادهایمان ما را مجبور به

نفی تاکتیکی که تجویز می‌کنیم، نمی‌کند، تاکتیکی که عمیقاً مناسب با روحیه‌ی توده‌های کارگر بوده و می‌بایست منظمأ و مصرانه بسط یابد. اگر پیشنهادهای ما در مورد عمل مشترک رد شدند، باید جهان‌کارگری را مطلع ساخت تا به داند خراب‌کاران واقعی وحدت‌جبهه‌ی پرولتری چه کسانی هستند. اگر پیشنهاداتمان قبول شدند، وظیفه‌ی ما تشدید و تعمیق مبارزات آغاز شده است. در هر دو صورت مهم خواهد بود طوری عمل کنیم که مباحثات کمونیست‌ها با سایر سازمان‌ها، توده‌های زحمت‌کش را بیدار کرده، توجه آن‌ها را جلب کند. زیرا باید حتماً توده‌های زحمت‌کش را به تمام تغییر و تحولات پیکار برای وحدت‌جبهه‌ی انقلابی تمام‌کارگران علاقه‌مند ساخت.

۲۱- با تثبیت این طرح عمل، [کمیته‌ی] اجرائی توجه احزاب برادر را به خطراتی که ممکن است نتیجه شود جلب می‌کند. تمام احزاب کمونیست فاصله‌ی زیادی دارند تا به حد کافی مستحکم و سازمان‌یافته شده و ایدئولوژی‌های سانتریست و نیمه سانتریست را کاملاً مغلوب ساخته باشند. ممکن است زیاده روی شود و احزاب و گروه‌های کمونیستی را به بلوک‌های نامتجانس بی‌برنامه تغییر دهد. برای اجرای موفقیت‌آمیز تاکتیک توصیه شده، لازم است که حزب قویاً متشکل بوده و رهبریش با بصیرت کامل عقایدش، مشخص شود.

۲۲- حتی درون انترناسیونال کمونیست، در دسته‌جاتی که به غلط یا درست، به عنوان راست یا نیمه سانتریست می‌شناسیم، بدون شک دو جریان وجود دارد. اولی، هر چند که از ایدئولوژی و متدهای انترناسیونال دوم حقیقتاً آزاد شده، با وجود این نتوانسته خود را از احساس احترام نسبت به قدرت

تشکیلاتی سابق، خلاص کند. و آگاهانه یا غیرآگاهانه، می خواهد پایه های وحدت ایده آل را با انترناسیونال دوم، و در نتیجه با جامعه ی بورژوازی، دوباره جستجو کند. دومی، که با رادیکالیزم صوری و اشتباهات به اصطلاح "چپ" می جنگد، می خواهد تاکتیک حزب کمونیست جوان را قابل انعطاف تر کرده و اختیار و امکان مانور دادن را به آن به بخشد تا توده های کارگر راحت تر وارد حزب شوند. تکامل سریع احزاب کمونیست گاهی این دو جناح را وادار کرده تا دوباره به هم ملحق شوند و حتی فقط یک جناح تشکیل دهند. به کار بستن دقیقانه ی متدهائی که در بالا مشخص شدند و هدفش پشتیبانی دادن به آژیتاسیون های کمونیستی در آکسیون های توده های متحد است، به استحکام انقلابی احزاب ما حقیقتاً کمک خواهد کرد. همان قدر که به عناصر ناشکیبا و سکتاریست تعلیم تجربی می دهد به همان نسبت از وزنه ی مرگ بار رفرمیزم خلاصشان می کند.

۲۳- از اتحاد جبهه ی پرولتری، می باید مفهوم اتحاد تمام کارگرانی را که خواهان جنگ با سرمایه داری هستند فهمید. در نتیجه شامل کارگرانی که هنوز پیرو آنارشیست ها و سندیکالیست ها هستند نیز می شود. در کشورهای مختلف، این عناصر می توانند به طور مفیدی در آکسیون های انقلابی شرکت کنند. از بدو آغاز، انترناسیونال کمونیست همیشه اتخاذ رویه ای دوستانه نسبت به این عناصر کارگر را که بر پیش داوری های خود به تدریج فائق می آیند و کم کم به کمونیزم جذب می شوند، توصیه کرده است. کمونیست ها باید از این پس به همان نسبت که جبهه ی واحد علیه سرمایه داری در راه تحقق است، به این عناصر بیشتر توجه کنند.

۲۴- جهت تعیین قطعی کار بعدی در شرایط مشخص شده، [کمیته ی] اجرائی تصمیم دارد در آینده ی نزدیک یک مجمع فوق العاده فرا به خواند که در آن تمام احزاب عضو توسط تعداد نمایندگان دو برابر تعداد همیشه گی نمایندگی خواهند داشت.

۲۵- کمیته ی اجرائی بیشترین توجه را به تمام اقدام های عملی انجام شده در راهی که مشخص کرده و معطوف خواهد داشت. و از احزاب مختلف می خواهد که آن را از جزئیات تمام اقدامات شان در این زمینه و تمام نتایج حاصله مطلع سازند.

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.iwsn.org/nashr.htm>

آدرس پستی: BM Kargar, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: yasharazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری